

## نگاهی به مواضع تازه بدان دست یافته "حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و آقای "خان بابا تهرانی"

# گریزی از پذیرش "تحلیل حزب توده ایران" نیست!

پس از ۱۷ سال، هنوز هر شخصیت و یا تشکیلات سیاسی که به واقعیت جامعه ایران نزدیک می شود، ناچار به تکرار و یا تکمیل و تطبیق با شرایط روز همان تحلیلی است، که حزب ما از جمهوری اسلامی، انقلاب ایران و جامعه بیرون آمده از انقلاب داد!

حزب توده ایران حزبی برخاسته از جامعه سنتی- مذهبی ایران و متکی به جهان بینی سوسیالیسم علمی است. این حزب در طول حیات سیاسی خویش پیوسته متکی به همین جهان بینی به استقبال حوادث و رویدادهای کوچک و بزرگ کشور ما رفته است و آنجا که نقد گذشته سازمانی و نظری و انتقاد از خود را مستلزم تدقیق حرکت آینده خویش تشخیص داده، از همین جهان بینی یاری گرفته است.

جمع بندی شکست جنبش ملی آذربایجان و کردستان، تصحیح سیاست چپ روانه بخشی از رهبری حزب در دوران اولیه حکومت دکتر محمد مصدق و سپس پیوستن کامل به جنبش ملی کردن نفت، بررسی و درس آموزی از کودتای ۲۸ مرداد، تحلیل اصلاحات اولیه دکتر علی امینی برای محدود ساختن مناسبات فئودالی و ارضی و سپس گام هائسی که در جهت اصلاحات ارضی و پایه ریزی صنایع در ایران برداشته شد، تحلیل قیام ۱۵ خرداد و نقش مذهب در آن، روشنگری پیرامون جریانات چریکی و عملیات مسلحانه جدا از توده ها در پایان دهه ۴۰ و آغاز دهه ۵۰، حضور فعال در خیزش انقلابی پایان ۵۶ و سال ۵۷، اعلام و شرکت در قیام مسلحانه مردم علیه نظام شاهنشاهی، تحلیل انقلاب ایران و مسیر آینده آن در همان ماه های اولیه پیروزی انقلاب، که سرگردانی سیاسی و نداشتن برنامه تدوین شده برای رشد اقتصادی کشور همه را فرا گرفته بود، و سرانجام حضور در لحظه لحظه حیات ایران طی بیش از ۱۷ سالی که از پیروزی انقلاب می گذرد، همه و همه متکی به همین تجربه، ریشه های پیوند خورده با جامعه ایران و جهان بینی علمی صورت گرفته است.

اینکه مخالفان و دشمنان تحولات اساسی در ایران، با بهره گیری از غفلت همه نیروهای مترقی پس از دست یابی به اهرم های حکومتی، در کدام مقاطع و در کدام حکومت ها توانسته اند ضربات سهمگین سازمانی به حزب ما بزنند و خون شریف ترین میهن دوستان عضو حزب ما را بر زمین بریزند، ارتباطی با جهان بینی و بینش اجتماعی حزب ما ندارد. این ضربات در مجموع ضربات وارده به خیزش های عمومی مردم برای ایجاد تحولات - از جمله انقلاب بهمن - قابل بررسی است و تغییر تناسب نیروها به سود جریانات ارتجاعی و غیرملی. میزان درنده خونی دشمن غالب نیز همان اندازه قابل پیش بینی است که مقاومت پوست و گوشت و خون انسان های زیر شکنجه!

آنچه که به عنوان مشی و سیاست حزب توده ایران در ارتباط با انقلاب بهمن و سال های پس از پیروزی انقلاب شناخته شده، در واقع بخش عملی همان جهان بینی علمی است که حزب ما متکی به آن حرکت کرده و باز هم خواهد کرد. این مشی و سیاست را شاید دشمنان حزب ما و یا نیروهای غیر مطلع بخواهند در پشتیبانی از همین جمهوری اسلامی کنونی خلاصه کرده و از آن حربه ای تبلیغاتی علیه حزب ما بسازند، اما این عمل تنها حيله ایست تبلیغاتی که

عمر و کاربرد آن زیاد نخواهد بود. آنها که اشتاد و انتشارات حزب ما را تا سال ۶۲ (دوران حیات علمی و نیمه علمی حزب توده ایران در جمهوری اسلامی) مطالعه کرده، مطالعه کنند و یا به خاطر داشته باشند، گریزی از این تائید ندارند، که حزب توده ایران با تمام توان خویش کوشید، تا جمهوری اسلامی و انقلاب بهمن آن نشود که امروز هست! ما حتی متمم به خط سازی برای آیت الله خمینی، بعنوان "خط امام" نیز شدیم، اما دست از کوشش در راه تعمیق انقلاب و حفظ دستاوردهای مثبت آن نکشیدیم، گرچه این کوشش میهن دوستانه و جان فشانه به قیمت بزرگترین ضربات سازمانی به حزب ما تمام شد و جمع بسیاری از کادرهای ورزیده و صاحب نام حزب ما قربانی آن شدند!

این اشاره بسیار کوتاه به مناسبت دو مصاحبه و یک توضیح که در این شماره "راه توده" (صفحات ۳۷، ۳۸، ۳۹) می خوانید، آورده شد، چرا که نگاه به جانفشانی انقلابی حزب توده ایران در انقلاب بهمن و سال های پس از پیروزی انقلاب، فصل مهمی از تاریخ این دوره از کشور ماست، که در این مختصر هرگز نمی گنجد.

دو مصاحبه مورد نظر متعلق است به آقایان بابک امیرخسروی و خان بابا تهرانی است، که اولی تا همین مهاجرت اخیر عضو رهبری حزب ما بود و دومی در اوج تشدید مبارزات درونی در کنفدراسیون دانشجویی و غلبه چپ روی مائوئیستی بر بخشی از جنبش انقلابی جهان (و از جمله میهن ما) صفوف حزب ما را ترک کرده بود. ما نه انتقادی به آنها داریم و نه گله مند از رفتن آنها هستیم، چرا که عضویت در حزب توده ایران و همکاری با آن داوطلبانه است و اگر گله هست (که هست) مربوط می شود به برخی توده ای ستیزی ها، که جای بحث آن نیز در این مطلب نیست. توضیح مورد نظر ما نیز مربوط است به نزدیک ترین متحد حزب ما در سال های پس از پیروزی انقلاب، "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" که پس از ضربات وارده به اردوگاه سوسیالیسم از این نزدیکی و اتحاد فاصله گرفت.

هم آقای بابک امیرخسروی (بصورت مشروح تر) و هم آقای خان بابا تهرانی در مصاحبه های خود، واقع بینی های تازه بدان دست یافته ای را مطرح کرده اند، که بنظر ما باید آنها را برجسته ساخت و سپس پیش از آنکه لعنتی هم نثار حزب توده ایران کنند، از آنها پرسید:

مگر حزب توده ایران از همان نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب توصیه و ارزیابی دیگری غیر از آنچه که حالا شما یا نثار ناسزا به حزب ما آنرا مطرح می کنید داشت؟ همه این حرف هائسی که حالا، پس چپ و راست رفتن های بسیار و پس از در خاک و خون خفتن تدوین کنندگان سیاست حزب توده ایران درباره انقلاب ایران و جامعه ایران بر زبان می رانید، شاید در لغات و اصطلاحات مشترک نباشد، اما در مفهوم و معانی آنها کدام اختلاف وجود دارد؟

بابک امیرخسروی

حزب ما، که آقای امیر خسروی با اشاره (در تناقض با بخش دیگری از همین مصاحبه اش، که کار در میان توده ها را مهمترین عرصه فعالیت سیاسی معرفی می کند) آنرا متمم به دنباله روی از توده های مردم می کند، مگر جز این گفت که برای تثبیت دستاوردهای انقلاب (آزادی ها، استقلال کشور و عدالت اجتماعی) باید مردم را در دفاع از آنها بسیج کرد و این دست آورده ها را در جامعه ایران نهادینه و یا بقول شما "مدنی" کرد؟

مگر آن زمان که شعار شوراها را از ماورا، چپ مطرح می کردند، حزب ما از سندیکاها و تشکل های سنتی ایران دفاع نکرد و از بقای آنها به دفاع برخاست؟ مگر بارها و بارها به سازمان مجاهدین خلق که در خانه های تیمی ترین جنگ مسلحانه می کردند، نگفت و هشدار نداد که این خواب و خیال ها را فراموش کنند؟ مگر به طرفداران نظام شاهنشاهی در ارتش که تدارک کودتا می دیدند و خیال خام بازگرداندن شاه فراری به ایران را در سر می پروراندند و فکر می کردند انقلاب ایران و جمهوری اسلامی بزودی آب شده و به زمین خواهند رفت، نگفت و نوشت که دست از این خام خیالی ها بردارند و آب به آسیاب دشمنان استقلال کشور و ارتجاع داخل جمهوری اسلامی نریزند؟

و...

حالا، امروز حزب توده ایران بداست، حزب توده ایران از توده مردم دنباله روی کرده، حزب توده ایران مبارزه ضد امپریالیستی را در برابر آزادی ها بزرگ کرده و ... لابد شما که پس از ۱۷ سال این طرف و آن طرف زدن باز هم رسیده اید به همان نقطه ای که حزب ما از ابتدا گفت، تحلیلی بگور و مبتکرانه ارائه داده اید؟ چرا نباید جسارت داشت و به احترام خون یاران دیروز شما که قتل عام شدند و یا هنوز در بندند و زیرضربه، گفت که حزب توده ایران از ابتدا انقلاب ایران و جمهوری اسلامی را دقیق تر از هر سازمان و حزبی ارزیابی کرد؟

## آقای خان بابا تهرانی!

آقای خان بابا تهرانی در مصاحبه رادیویی خود، می گوید اعتراف به اشتباه یک شهادت اخلاقی است (نقل به مضمون) بسیار خوب، چرا نباید شهادت داشت و گفت که توده ای ها از اول دقیق تر از همه ماها انقلاب ایران و نقش مذهب در آنرا دیده بودند. ایشان که خود را فروتنانه جزو معدود کوشندگان آرمان های خود (سوسیالیسم) معرفی می کند و در دنباله روی از آقای امیرخسروی و با اشاره و کنایه حزب توده ایران را متهم به دوسیدن دنبال خمینی بعنوان ضد امپریالیست می کند، چرا از همان جسارت اخلاقی یاری نمی گیرد و نمی گوید، که نظرات امروزش درباره جمهوری اسلامی و حوادث سال های گذشته تغییر کرده و به برخی نظرات حزب توده ایران در این ارتباط بسیار نزدیک شده است؟

## فدائیان اکثریت

نگاهی بیاندازیم به ادعاهای یاران قدیمی و متحدان کم و فزونی خودمان، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نشریه "گار" در پاسخ به یکی از خوانندگان معترضش (در همین شماره راه توده آنرا بخوانید) می نویسد که از ابتدای پیروزی انقلاب اشتباه کرده که جبهه دفاع از دموکراسی و آزادی را پیگیری نکرده است و بدنبال اتحاد یکطرفه با رژیم خمینی رفته است و...

ما با توضیحات "گار" در باره رابطه با مشروطه خواهان و بقینه مسائل مطرح شده در این توضیح فعلا کاری نداریم، فقط می خواهیم یک سوال را طرح کنیم و چند یادآوری را در پی آن بیاوریم:

نویسنده این مطلب از همان آغاز پیروزی انقلاب در ایران و در صفوف سازمان چریک ها و بعداً فدائیان خلق ایران بوده است یا خیر؟ پاسخ مثبت یا منفی نویسنده مانع این چند یادآوری تاریخی نمی شود:

رفیق و یا رفقای عزیز، آن حزب و سازمانی که از ابتدای پیروزی انقلاب به شما توصیه کرد، دست از ماجراجویی در گنبد و کردستان، شورا بازی در کارخانه ها و... بردارید و بجای استقرار توپ و تفنگ در دانشکده ها و بر فراز ساختمان ساواک خیابان میکده که آنرا فتح کرده بودید و از آنجا می خواستید همونی پرولتاریای ایران را برقرار سازید، بیایید با هم جبهه ای را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، که "آزادی" یکی از سه رکن بزرگ آن بود، بوجود آوریم، مگر غیر از حزب توده ایران بود؟

یک لحظه کلاه خودتان را قاضی کنید و به خودتان پاسخ بدهید: کدام حزب و سازمان تا آخرین لحظه - حتی در حد عدول از احتیاط سازمانی - تلاش کرد، تا در صحنه باقی مانده و از آزادی ها دفاع کند؟

از تبلیغات و ستیز دشمنان قسم خورده و حرفه ای حزب توده ایران فاصله بگیرید، تا بتوانید حقیقت را ببینید و در باره دیروز تاریخی، صادقانه به قضاوت بنشینید، تا بتوانید متحد صادق امروز جنبش مردم باشید!

حزب ما براساس بینشی که دارد، اهل نوسان های نوبتی نیست. این بینش می گوید، برای تحولات اجتماعی باید مردم را بسیج کرد و مردم نیز با آگاهی بسیج شده، سازمان یافته و متشکل می شوند؛ آگاهی نیز با افشاگری و تقابل آزاد آندیشه، نظر و برنامه های اجتماعی ممکن است. بنابراین هیچ حزب و سازمانی به اندازه حزب توده ایران مدافع آزادی در جامعه نبوده و نیست. حزب ما پیوسته در فضای آزاد، بهتر تنفس کرده است!

همین است که حالا وقتی از آزادی های برخاسته از انقلاب سخن می گوئید، ما به خود حق می دهیم بپرسم: همه آن چپ روی ها، که بقول زنده یاد منوچهر بهزادی (۱) در کج رفتن مسیر واقعی انقلاب و تقویت و قدرت یابی ارتجاع نقش داشت، یکبارزه فراموش شده و امروز اشتباه شما در همین خلاصه شده که در جبهه یکطرفه با رژیم خمینی شرکت کرده اید؟ و لابد این فریب را هم از حزب توده ایران خورده اید!

گیریم که همه این خط مشی و شناخت امروز شما درباره ضرورت دفاع از آزادی ها را پذیرفتیم، بسیار خوب، دیروز که دیروز بود، لطفا بنویسید، چرا همین امروز، از همین آزادی محدود و اندکی که به حاکمیت راستگرا و ارتجاعی جمهوری اسلامی تحمیل شده دفاع نمی کنید؟ چرا مردم را به جای دفاع از آزادی خود - با همان درک و شناخت و امکاناتی که دارند و ما و شما باید از آن گاه باشیم - به کناره گیری از رای دادن در انتخابات و خانه نشینی تشویق کردید؟ و افتخار کشف این تحریم و اعلام آنرا هم منحصر به خودتان اعلام داشتید!

۱- زنده یاد منوچهر بهزادی از جمله رهبران حزب توده ایران بود، که پیوسته تکران ادامه ماجراجویی های مسلحانه مجاهدین خلق و چریک های فدائسی بود و حتی با بدبینی تمام اعتقاد داشت که ارتجاعی لرن جناح جمهوری اسلامی زمینه های رشد ماجراجویی ها را در این دو سازمان فراهم می آورد، تا سهم خود را در حکومت روز به روز بیشتر کند. انفجار حزب جمهوری اسلامی و نخست وزیری این بدبینی او را به یقین بازگشت ناپذیر تبدیل کرد.

# چهار انتخابات و پیامدهای آن

ایران- بدنبال انتخابات مجلس اسلامی در ایران، دو انتخابات مهم دیگر در اسرائیل و روسیه انجام شد و حاصل انتخابات ترکیه نیز بصورت تشکیل دولت ائتلافی جدید، با رهبری "حزب رفاه اسلامی" شکل گرفت. کلیه رسانه های گروهی جهان همان اندازه اخبار و تفسیر پیرامون دو انتخابات روسیه و اسرائیل پخش کردند و درباره دولت جدید ائتلافی ترکیه داد سخن دادند، کته درباره انتخابات ایران سکوت کردند!

درباره نتایج انتخابات ایران و آشکار شدن اشکال نوین اتحادهای سیاسی و تشکیل مجلسی مرکب از فراکسیون های مستقل (پس از ۱۷ سال) "راه توده" مطالب بسیاری را منتشر ساخته و خوشبختانه نشریات و سازمان های سیاسی خارج از کشور نیز بتدریج توجه بیشتری به حاصل این انتخابات کرده و می کنند. در همین شماره "راه توده" نیز مطالبی در این ارتباط می خوانید.

بنظر ما سکوت رسانه های گروهی نیز خود زبان گویای تعجب و نگرانی آنها از حاصل انتخابات اخیر مجلس اسلامی است. این انتخابات، نشان داد که ارتجاع علیرغم همه سازماندهی و تشکیلی که دارد و علیرغم همه قدرت حکومتی و قدرت مالی که در جمهوری اسلامی در اختیار دارد، قادر به تحمیل خواست و نظر خود به مردم نیست و این امر بهیچوجه خوشایند محافل سرمایه داری جهانی نیست..

تشکل سراسری حزب "موتلفه اسلامی" شاید تا پیش از این انتخابات از جمله امکاناتی بود که امپریالیسم امریکا برای تبدیل ایران به عربستان سعودی بر این امکان تکیه داشت، اما باخت بزرگ رهبران این حزب در انتخابات اخیر و نفرتی که مردم نسبت به آن نشان دادند، این امکان را باید از دستور کار امریکا خارج ساخته باشد.

ادامه برخی فعالیت های سیاسی در داخل کشور، حضور فراکسیون چپ مذهبی در مجلس، جنبش دانشجویی که همه دانشگاه های ایران را در بر گرفته، برخی تجدید نظرهای اساسی در برنامه تعدیل اقتصادی صندوق بین المللی پول و... همگی صحنه جدیدی را در برابر امپریالیسم امریکا قرار داده است و بر همین اساس نیز با سکوت در برابر حاصل انتخابات، اما با تحریک سیاسی بسیار، با صحنه جدید و آرایش جدید نیروها در ایران برخورد می کند. وجود مجلسی با حضور فراکسیون چپ مذهبی، تعدیل در برنامه های صندوق بین المللی پول، ادامه انزوای ارتجاع و گسترش آزادی ها که در اساس رشد جنبش چپ را در ایران با خود همراه دارد... نکاتی نیست که از نظر آنها پنهان مانده باشد.

بخشی از تحولات جدید در موضع گیری های غرب در برابر انتخابات روسیه (که همکاری و نزدیکی دم افزونی با ایران دارد) و یا تشکیل دولت جدید در ترکیه و اسرائیل می تواند زمینه های مقابله با جنبش نوین مردم ایران را هم در خود داشته باشد. به همین دلیل نگاهی به این تحولات، در ارتباط با ایران ضروری می نماید.

## اسرائیل: استراتژی همان است که بود!

درباره انتخابات اخیر اسرائیل دو نکته قابل توجه است:

۱- قدرتی که جامعه یهودیان نیویورک در برابر دولت امریکا از خود نشان دادند:

۲- غیر قابل بازگشت بودن طرح بزرگ اقتصادی اسرائیل برای تسلط بر فروروت منطقه.

در مورد نخست، این قدرت نمایی هم در نطق نخست وزیر جدید اسرائیل در مجلسین امریکا مشهود بود و هم در بیانیه و نطق رئیس جامعه